



کنکاشی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شیخ اسدالله ریاضی در سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۴۵ ش.

سیروان خسروزاده^۱

کلیدواژه‌ها:
اسدالله ریاضی،
روحانی درباری،
آذربایجان،
شاه،
قصه‌بخشایش

به واسطه شکافی که از دوره رضاشاه میان حکومت و روحانیت ایجاد شده بود، محمدرضاشاه درصدد آشتی با روحانیت برآمد و تا پیش از آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله خمینی، اصطکاک خاصی با آنان پیدا نکرد. به دنبال ظهور آیت‌الله خمینی و ایجاد جبهه‌ای یکدست و نسبتاً یکپارچه علیه حکومت، شاه تلاش کرد در میان روحانیون، هوادارانی برای خود بیابد؛ لذا از کلیه روحانیونی که دنباله‌رو آیت‌الله خمینی نبودند و مواضعی کمابیش متفاوت نسبت به دربار داشتند، حمایت می‌کرد و آنان را در هر سطح و درجه مورد توجه قرار می‌داد؛ تا جایی که اسدالله ریاضی که یک روحانی ساده و تقریباً گمنام بود صرفاً به خاطر هواخواهی از شاه و اقداماتی چون مسافرت به شهرهای آذربایجان و تبلیغ شاه‌دوستی در منابر و مساجد، به شدت مورد توجه دربار قرار گرفت. پژوهش حاضر با بررسی فعالیت‌های وی در چارچوب فوق، به بررسی مناسبات متقابل او و نهادهای حکومتی می‌پردازد و تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که چرا شاه و دربار، این روحانی گمنام را مورد توجه قرار داده بودند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حکومت شاه که مشروعیت آن از سوی آیت‌الله خمینی به چالش کشیده شده بود تلاش می‌کرد با حمایت از ریاضی و امثالهم با تبلیغاتی که علیه شاه در جریان بود مقابله و از طریق چنین روحانیونی با موج فزاینده سلطنت‌ستیزی مقابله کند.

استناد: خسروزاده، سیروان. (۱۴۰۵). کنکاشی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شیخ اسدالله ریاضی

در سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۴۵ ش. *آرشیو ملی*، ۹(۱)، ۱۲۰-۱۳۰

۱. دکتری تاریخ ایران
دوره اسلامی، تهران، ایران
yaho.com@kiaksar۶۱۲



رضاشاه در دوره حکومت خود در مقابل روحانیت قرار گرفت و از این لحاظ شکاف بی سابقه‌ای میان دولت و روحانیت ایجاد شد. به دنبال سقوط رضاشاه و روی کار آمدن محمدرضاشاه، وی که به خوبی از پیامدهای زیان بار تقابل با روحانیت و توده‌های مذهبی آگاه بود درصدد برآمد از شکاف ایجاد شده بکاهد و در این راستا اقداماتی برای جلب رضایت روحانیون به انجام رساند و تاندازه‌ای هم موفق شد؛ زیرا نه تنها مخالفت چندانی از سوی علما و روحانیون با حکومت شاه صورت نگرفت، بلکه آیت‌الله بروجردی به عنوان مطرح‌ترین عالم دینی آن زمان، طرفدار تزلزل ناپذیر عدم دخالت روحانیت در امور سیاسی بود. رفتار و منش وی به گونه‌ای بود که سکوت و تن دادن به جو سیاسی را تداعی می‌کرد و در نتیجه، گلایه‌ها و ملامت‌هایی را برانگیخت. با این حال همچنان تلاش می‌کرد روحانیت را از جنجال‌های سیاسی دور نگه دارد (حاضری و همکار، ۱۳۸۶، صص ۵۶-۵۷).

دیگر روحانی برجسته این دوره یعنی آیت‌الله کاشانی، معتقد بود حکومت مشروطه سلطنتی برای ایران مناسب‌تر از دیگر حکومت‌ها است. ایشان همچنین معتقد بود «ایران سالیان دراز حاجت به سلطنت دارد؛ فی الحقیقه وجود شاه، یک جهت جامعی برای جمع‌آوری کلیه طبقات مردم به دور این مرکز ثابت می‌باشد» و حتی اعلام کرد که اجتهاد وی بر این است که برای مسلمانان، رژیم سلطنتی و سلطان از تمام رژیم‌ها مناسب‌تر و بهتر است (خلیلی، ۱۳۹۶، ص ۸۷). در حقیقت انتقاد آیت‌الله کاشانی بیشتر به حاکمان ناظر بود تا ساختار حکومتی؛ به بیانی دیگر، آنچه وی با آن مخالف بود رفتار حاکم وابسته به بیگانه بود که عموماً برخلاف شرع و قانون اساسی بود (همان، ص ۸۸)؛ بنابراین تا پیش از ظهور آیت‌الله خمینی، به استثنای فدائیان اسلام و شخص ثواب، شاه تهدیدی جدی از سوی روحانیت احساس نمی‌کرد و به نظر می‌رسید رویکرد منعطفی که در پیش گرفته بود، نتایج سازنده در پی داشته است؛ اما به دنبال آیت‌الله خمینی و مطرح شدن این استدلال از سوی ایشان که پیروی از کسانی که خداوند، اطاعت از آنان را لازم دانسته بهتر از اطاعت از حکومت شاه است که منصوب خداوند نیست، عملاً مشروعیت سلطنت شاه به چالش کشیده شد (خلیلی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳) و مواضع روحانیت وارد فصل جدیدی گردید.

به رغم ظهور آیت‌الله خمینی و شکل‌گیری نوعی یکپارچگی نسبی و روزافزون در جبهه روحانیت منتقد علیه شاه، بخشی از روحانیون همچنان به دربار نزدیک بودند و اگرچه شخصیت مهم و تأثیرگذاری در میان آنان نبود اما با توجه به مذهبی بودن مردم، این قشر محدود می‌توانستند ضمن وعظ و خطابه‌های خود بر منابر، افکار عمومی و یا لاقلاً مخاطبان خاص خود را تحت تأثیر قرار دهند و بخشی از توده‌های مذهبی را به حمایت از حکومت شاه ترغیب نمایند. از این لحاظ رژیم شاه اهمیت وافری برای این قشر قائل بود و با حمایت همه‌جانبه از آنها امیدوار بود در نتیجه فعالیت‌های تبلیغی این روحانیون، هم مردم به حکومت امیدوار شوند و هم میان روحانیون دودستگی ایجاد شود. در این میان برخی از روحانیون، خواسته یا ناخواسته با نزدیکی به حکومت پهلوی در مسیری قرار گرفتند که مقاصد و اهدافشان با طبقه حاکم، همراه و هماهنگ بود.

این درحالی بود که آیت‌الله خمینی به‌عنوان برجسته‌ترین روحانی مخالف حکومت نسبت به جایگاه روحانیت، حساسیت بسیار ویژه‌ای داشت و قشر روحانی را نسبت به مردم، جامعه و کشور بیش از سایر اقشار، مسئول می‌دانست؛ زیرا از نظر وی وظیفه هدایت مردم بر عهده روحانیون و علمای دین بود و از این رو وظایف و تکالیف بسیار سنگینی بر دوش داشتند. وی با مشاهده روحانیونی که به‌جای مخالفت با برنامه‌ها و اقدامات حکومت پهلوی، همسو و همراه با این حکومت، اقدام به تبلیغ و دفاع از شخص شاه و دربار می‌کردند، این جریان را به «ابوهریره» و «شُریح قاضی» تشبیه می‌کرد و معتقد بود که دربار و ساواک برای پیشبرد اهداف خود، آنها را معتمّم کرده است. این گروه، «روحانیون ناصالح» به‌شمار می‌آمدند که با فعالیت‌های خود صدمات جبران‌ناپذیری به مردم و جامعه وارد می‌کردند و از این رو برای نخستین بار اصطلاح «آخوند درباری» را در رابطه با چنین کسانی به کار برد و ساواکی را از آخوند فاسد، محترم‌تر دانست و معتقد بود صدمه‌ای که اسلام از یک آخوند فاسد می‌خورد از محمدرضا نمی‌خورد. از جمله روحانیون درباری شناخته‌شده، غلامحسین دانشی و عباس مهاجرانی بودند. غلامحسین دانشی نماینده مردم آبادان در مجلس شورای ملی به‌عنوان روحانی توانست نظر شاه را جلب کرده و به مجلس راه پیدا کند و به‌جای توجه به نیازها و منافع مردم، به‌عنوان مجری برنامه‌های مذهبی رادیو و تلویزیون ملی ایران به دفاع از برنامه‌ها و اقدامات شاه پرداخت. (انتقادات امام خمینی به آخوند درباری، ۱۳۹۵)

لازم به ذکر است در خصوص پژوهش حاضر و بررسی عملکرد سیاسی و اجتماعی اسدالله ریاضی به‌عنوان یکی از این روحانیون، علاوه بر اینکه تاکنون هیچ‌گونه تحقیقی صورت نگرفته، اساساً اطلاعات و داده‌های چندانی وجود ندارد و درحقیقت اسناد حاضر در مقاله حاضر تنها منابع در دسترس هستند که اطلاعاتی از اسدالله ریاضی به دست می‌دهند؛ بنابراین کمبود مدارک و اطلاعات یکی از دشواری‌های اساسی این پژوهش بوده است. به‌هرجهت پژوهش حاضر تلاش دارد با تکیه بر اسناد موجود، تصویری کمابیش نزدیک به واقعیت از اسدالله ریاضی و عملکرد سیاسی اجتماعی و مناسباتی که با حکومت پهلوی داشت، ارائه دهد؛ بدین ترتیب که ضمن برشمردن فعالیت‌های وی، به شرح حمایت‌های حکومت از او و تحلیل این رویکرد پرداخت.

۲. اسدالله ریاضی و فعالیت‌های تبلیغی وی

اسدالله ریاضی، روحانی آذربایجانی و سردفتر اسناد رسمی شماره ۱۸۸ تهران واقع در خیابان کبریت‌سازی دخیانیات پلاک ۱۸ بود. روشن نیست وی در کجا و در محضر کدام استادها، تحصیلات حوزوی را پشت سر گذاشته و یا اساساً آیا چنین تحصیلاتی داشته یا خیر؟ به‌هرحال اشاره به وی تحت عنوان روحانی و شیخ در اسناد و گزارش‌ها نشان می‌دهد او واقعاً یک روحانی بوده است. همچنین روشن نیست که وی از چه زمانی یا به دنبال چه واقعه‌ای به دربار نزدیک شد. با این حال از نامه‌ای که در ۳۰ آذر ۱۳۴۵ به تیمسار صفاری استاندار آذربایجان شرقی نوشته، از جمله متذکر شده است که: «۲۵ سال است خدمتگزار رایگان و بدون نظر شاهنشاه آریامهر است» (ساکما،

۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۴۶۸۹). از این ادعا روشن می‌شود که فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۲۰ آغاز کرده است. باین‌حال قدیمی‌ترین اشاره‌ها به فعالیت‌های او به‌عنوان واعظ مورد حمایت حکومت به سال‌های نخست دهه ۱۳۳۰ باز می‌گردد. برای نمونه؛ طبق سندی به تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۳۱ وی با اطلاع دربار برای تبلیغات مذهبی به رشت رفته بود؛ ظاهراً علاء، وزیر دربار از استاندار استان اول خواسته بود زمینه‌های حضور وی را در مجالس روضه‌خوانی فراهم آورد و استاندار هم در جوابی که به این درخواست داده، از سفارش‌هایی که در این رابطه کرده، خبر داده است (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۱۲۷۳۲).

در بهار ۱۳۳۲ ش. ریاضی به ارومیه رفت و یک ماه در آنجا فعالیت کرد. طبق گواهی شهربانی ارومیه به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۳۲ اسدالله ریاضی واعظ، ماه رمضان ۱۳۷۲ ق. [را در مسجد] عسگر المهدی؟] این شهر با کمال نزاکت به سخنرانی و وعظ، پیرامون اتفاق و اتحاد و همبستگی اقوام و شاه‌پرستی و دولت‌خواهی پرداخته و در جریان این سخنرانی یک‌ماهه، اظهارات خارج از وظیفه، استماع نگردیده است. (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳ شماره ۹۰۴۴). وی چند ماه بعد دوباره عازم آذربایجان شد؛ به‌طوری‌که در آبان ۱۳۳۲ استاندار آذربایجان در نامه‌ای خطاب به مسئولین شهرهای تابعه از قصد شیخ اسدالله برای آمدن به این ناحیه جهت «هدایت افکار عمومی به راه حق و حقیقت» خبر داد و از کلیه فرمانداران و دیگر مقامات مربوطه خواستار فراهم نمودن کلیه تسهیلات لازم برای وی شد (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۱۰۰۴).

ریاضی در سال ۱۳۳۶ ش. در دور جدیدی از فعالیت‌های خود و در دیداری مفصل از شهرهای آذربایجان دست به تبلیغات وسیعی زد که اگرچه تبلیغات دینی اعلام شد، اما در حقیقت چیزی جز تبلیغات حکومتی نبود. در نامه‌ای از سرتیپ دیلمی، فرمانده ژاندارمری ناحیه ۲ آذربایجان به فرمانده ژاندارمری تبریز آمده است که آقای اسدالله ریاضی به‌منظور تبلیغات مذهبی عازم شهرستان‌های آذربایجان است و با سابقه‌ای که در رعایت اصول این وظیفه دارند اقدام خواهند کرد. دیلمی در پایان نوشته است: «دستور فرمایید فرماندهان واحد با در نظر گرفتن مقتضیات هر محل برای تسهیل این منظور که فقط به ملاحظه هدایت افکار عمومی [به] راه حق و حقیقت می‌باشد، مساعدت لازم معمول دارند» (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۷۷۴۹). ظاهراً وی فعالیت‌های خود را در ۱۲ شهریور ۱۳۳۶ و از اردیبهشت آغاز کرد. فرماندار این شهر در نامه‌ای به استاندار آذربایجان از ورود ریاضی به اردبیل و تبلیغات مذهبی در مساجد این شهر خبر داده است. در جریان این فعالیت‌ها وی ضمن اشاره به لزوم تقویت روح مودت و برادری، به بحث از دادگستری و رعیت‌نوازی شاه و دعوت از اهالی به پیروی از وی پرداخت (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۳۹۴۶). ریاضی در روز ۱۷ شهریور عازم خلخال و مشکین‌شهر شد. در ۲۰ شهریور ۱۳۳۶ فرمانداری این شهر خطاب به استاندار آذربایجان نوشت که شیخ اسدالله ریاضی واعظ، روز دوشنبه ۱۸ شهریورماه به مشکین‌شهر وارد و برای ارشاد و تنویر افکار مردم و تبلیغ دین، مدت سه روز در مساجد شهر، وعظ و مردم را به راه حق و عدالت و ایجاد روح یگانگی و برادری و دوری از فساد اخلاق

دعوت کرد و در ضمن خطابه از رعیت‌نوازی و عدالت‌پروری «ذات اقدس همایونی» بیانات مهیج و مؤثری ایراد و مردم را به پیروی از منویات مقدس شاهنشاه ترغیب نموده، یک روز هم به منظور تبلیغ به میان ایلات و عشایر که درصد کوچ به طرف قشلاقات بودند رفته و ایشان را با بیانات مؤثری به مزاحم دولت امیدوار نموده و حفظ دین و رعایت شعائر مذهبی را یادآور شده و روز ۲۱ شهریور به طرف اهر حرکت کرده‌اند (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۸۹۰۲). وی در همین روز وارد اهر شدند و به مدت ۱۵ روز به تبلیغات مذهبی و هدایت افکار عمومی دست زدند و در مساجد متعدد شهر، «اهالی را با بیانات مقتضیه به راه حق و حقیقت و ایجاد روح یگانگی و دوری از فساد اخلاق دعوت و ضمن کلیه خطابه‌ها از مردم‌نوازی و عدالت‌پروری «ذات اقدس همایونی» بیانات مؤثری ایراد و مردم را ترغیب به تأسی از منویات مقدس شاهنشاه و به مزاحم دولت امیدوار نمودند و روز چهارم همراه به تبریز مراجعت کرد (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۷۰۳۶). به دنبال اتمام فعالیت‌های ریاضی در شهرهای آذربایجان، استاندار آذربایجان از وزارت کشور خواست تسهیلات لازم جهت بازگشت وی به تهران را فراهم کنند (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۵۹۴۰۲).

از مهر ۱۳۳۶ تا خرداد ۱۳۴۲ ش. که دوباره فعالیت‌های شیخ اسدالله ریاضی در گزارش‌ها انعکاس می‌یابد، اطلاع‌چندانی از وی و اقداماتش در دست نیست؛ اما اشارات محدود موجود، باز هم نشان از تداوم فعالیت‌های شاه‌دوستی وی به شکلی دیگر دارد. برای نمونه، در نامه‌ای از نصرت‌الله کاسمی دبیرکل حزب ملت‌یون به ریاضی در ۲ شهریور ۱۳۳۸ از او به عنوان «هم‌مسلك محترم» به خاطر شرکت در مراسم «جشن قیام ملی ۲۸ مرداد» و کوشش فوق‌العاده‌اش در روز «رژ» عظیم افراد حزب از برابر تمثال مبارک شاهنشاه» قدردانی شده است (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۱۲۰۰۱۲)؛ علاوه‌براین، در نامه دیگری از دکتر کاسمی در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۳۹ از او به خاطر تلاشی که در حفظ نظم افراد «در روز استقبال از موكب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه» نموده بود، قدردانی شده است (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۴۲۱۱۴۲). علاوه‌بر موارد فوق، در نامه دیگری در ۲۹ مرداد ۱۳۳۹ که ظاهراً در پاسخ به نامه‌ای از وی بوده، ضمن قدردانی، از او به عنوان «فرد حزبی ارزنده و مؤمن و منضبط» نام برده شده است (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۹۳۶۱۹۳)؛ بنابراین او همچنان فعالیت‌های خود را ادامه می‌داده است.

در سال ۱۳۴۲ ش. مسافرت‌های تبلیغی ریاضی دوباره از سر گرفته شد. در ۶ خرداد ۱۳۴۲ رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، خطاب به استاندار آذربایجان درخصوص ریاضی که «از دعاگویان و خدمتگزاران» بود، اطلاع داد که وی قصد مسافرت و عزیمت به آن سامان را دارد و بنابراین خواستار مساعدت‌های لازم در این زمینه شد (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۱۶۱۲۱۶۱۲). مشخص نیست که آیا ریاضی در این زمان عازم آذربایجان شد یا خیر؛ زیرا گزارش‌های موجود از فعالیت‌های او در نیمه دوم سال ۱۳۴۲ حکایت دارند. برای نمونه به موجب گزارش فرمانداری رضائیه به وزارت کشور در ۱۰ آبان ۱۳۴۲، ریاضی در چند روزی که بر منابر مساجد این شهر سخنرانی کرده بود به ترویج شعائر اسلامی و دعوت مردم به اتحاد و اتفاق مشغول بوده و در کلیه

مجالس به دعای سلامت و سعادت ذات مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و قدردانی از مساعی و توجهات دولت نسبت به آسایش و رفاه اهالی پرداخته و با سخنانش موجبات امیدواری مردم را فراهم آورده است (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۳۸۵۶). البته با توجه به وقوع قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که حکومت شاه به‌رغم مسافرت تبلیغی ریاضی در بهار ۱۳۴۲، دوباره در پاییز همان سال، او را به آذربایجان اعزام کرده و یا به عبارت دیگر، با درخواست مجدد وی برای مسافرت به آن سامان موافقت کرده است تا به زدودن اثرات تقابل شاه و روحانیت در ۱۵ خرداد بپردازد و توده‌های آذربایجانی را تحت تأثیر تبلیغات شاه‌دوستی خود قرار دهد. اگرچه ممکن است مانند سال ۱۳۳۶ که وی در دو نوبت خرداد و آبان عازم آذربایجان شده بود، این بار هم تکرار مسافرتش طبق روال و کاملاً عادی بوده باشد، اما ادامه فعالیت‌های ریاضی بعد از خرداد ۱۳۴۲ نشان می‌دهد به‌رغم تشدید تنش میان روحانیت و شاه، او با فراغ خاطر، کماکان شاه‌دوستی را تبلیغ و تعقیب می‌کرده است.

ریاضی در بهار ۱۳۴۳ باز هم عزم سفر به آذربایجان کرد. استاندار آذربایجان شرقی به فرماندار اهر اطلاع داد آقای ریاضی که یکی از روحانیون خوش‌نام می‌باشند، در نظر دارند در ماه محرم به اهر آمده و برای شرکت در مجالس عزاء و ذکر مصیبت و ارشاد مردم به منبر بروند. وی از فرماندار اهر خواست تسهیلات لازم برای وی را فراهم نماید (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۲۶۶).

مسافرت‌های تبلیغی مداوم و مستمر ریاضی همچنان ادامه داشت. وی در خرداد ۱۳۴۵ در نامه‌ای به شاه شرحی از ابراز احساسات صمیمانه و سپاسگزاری خالصانه به مناسبت اقدامات دیناتی و مذهبی شاه در طبع و نشر قرآن کریم و تعمیر اساسی مرقد حضرت سیدالشهداء نوشته بود (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۱۶۱۶۱)؛ همچنین به مناسبت «قیام ملی ۲۸ مرداد» و «ثمرات نیکوی آن» که بنا به ادعای وی به انقلاب تاریخی ششم بهمن و تحولاتی که در بهبودی کشور با تشکیل سپاه دانش و پیکار با بی‌سوادی منجر گردیده، به ابراز احساسات صمیمانه پرداخته بود (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۴۶۸۹).

کمی بعد از این نامه، در ۲۲ شهریور ۱۳۴۵ رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی در نامه‌ای خطاب به استانداران و فرماندهان و سایر مقامات کشوری و لشکری آذربایجان شرقی و غربی دستور داد تسهیلات لازم را برای آقای اسدالله ریاضی فراهم آورند تا وی بتواند «منظور خود را که هدایت افکار عمومی به راه حق و حقیقت است به نحو احسن انجام دهند» (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳، شماره ۸۰۰۱).

۳. اهداف اسدالله ریاضی از شاه‌پرستی

مشخص نیست ریاضی در قبال این فعالیت‌های دامنه‌دار و مداوم که خود وی آن را «خدمات رایگان و بدون نظر» نامیده و در مقاطع مختلف و به‌ویژه در شهرهای آذربایجان صورت گرفته چه مفاع و پاداش‌هایی را مدنظر داشته است؛ اما آنچه از مجموعه اسناد حاضر مشاهده می‌شود

خواسته‌هایی پیرامون شهر یا زادگاه خود، یعنی قصبه بخشایش (بستان‌آباد) در هشت فرسخی تبریز است. برای اطلاع بیشتر از اهداف اسدالله ریاضی باید به سخنان وی در حضور استاندار آذربایجان شرقی در روز افتتاح کارخانه برق^۱ بخشایش توجه کرد که با هزینه شخصی خود احداث کرده بود. روزنامه کیهان در ۲۴ مهر ۱۳۴۵ ذیل تیتری با عنوان «کارخانه برق قصبه بخشایش به نام نامی شاهنشاه آریامهر شروع به کار کرد»، سخنان وی را بازتاب داده و نوشت: «چندی قبل تیمسار سرتیپ صفاری، استاندار آذربایجان شرقی ضمن بازدید از قصبه بخشایش، کارخانه برق قصبه را به نام نامی شاهنشاه آریامهر افتتاح نمود.» در این مراسم اسدالله ریاضی به نمایندگی از طرف اهالی در اظهاراتی اعلام کرد که از جمعیت ۹ هزار نفری بخشایش عده‌ای فاقد شناسنامه هستند و جای تعجب است مالکینی که خود را حاکم مطلق العنان این منطقه می‌دانستند چرا برای تکمیل صدور شناسنامه‌ها اقدامی نکرده‌اند؛ مالکینی که در دوره انتخابات، تمام شناسنامه‌ها را جمع می‌کردند و به کاندید مورد نظر خود رأی می‌دادند. از طرف دیگر، کلیه اعانات دولتی و از جمله ارقام ارسالی همچون قند و شکر همه در اختیار مالکان، این غارتگران و جنایت‌کاران بود و حبه‌ای از آن به دست مردم نمی‌رسید. ریاضی انقلاب ششم بهمن را خاتمه‌بخش این وضع و عامل رهایی ۱۹ میلیون ایرانی اعلام می‌کند. او در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به رونق فرش‌بافی در بخشایش و صدور فرش‌های آن به بازارهای اروپایی خواستار ایجاد شهرداری برای این قصبه شد. وی همچنین به آب آشامیدنی ناسالم بخشایش اشاره کرد و خواستار حل این مشکل شد و در ادامه به فقدان یا کمبود حمام و مدرسه اشاره کرد و وعده داد شخصاً مدرسه‌ای را احداث کند. همچنین با اشاره به فقدان درمانگاه و پزشک، به رغم شیوع بیماری‌های سرخک و سیاه‌سرفه و آبله، تأسیس بهداشتی را ضروری اعلام کرد. (روزنامه کیهان، شماره ۶۹۶۰، ۲۵ مهر ۱۳۴۵، ص ۷).

ظاهراً مطالبات وی چندان مورد توجه واقع نشده بود؛^۲ زیرا کمی بعد مستقیماً با خود شاه وارد مکاتبه شد و دوباره تقاضای تأسیس حمام برای قصبه بخشایش را مطرح کرد و نوشت: «با نهایت ادب و احترام، فدوی افتخار دارد که ۲۵ سال [متوالی است خدمتگزار حقیقی و رایگان خاندان جلیل پهلوی بوده و هستم و اخیراً با هزینه شخصی که هستی و حاصل محصول قدرت مالی فدوی بود، بر طبق انقلاب ششم بهمن، موسسه برق روشنایی در قصبه بخشایش واقع در هشت فرسخی تبریز که دارای ۹ هزار نفوس می‌باشد، احداث شده است و بلافاصله موسسه برق با ملحقات و منضعات به والا حضرت ولایت عهد عظمی، هنگام افتتاح، در حضور استاندار آذربایجان هدیه گردید.» در ادامه نامه آمده بود چون بخش مزبور فاقد حمام است و هزینه آن طبق برآورد مهندسی، مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال است، اهالی بخشایش که پانصد هزار ریال آن را متقبل شده‌اند انتظار دارند شخص شاه یک میلیون ریال باقی‌مانده را از محل بنیاد پهلوی و یا هر جای دیگر که صلاح می‌دانند اعطا نمایند. دهند» (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳).

۱. در برخی گزارش‌ها موتور برق آمده است.
۲. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد مکاتبات میان دربار با دیگر مراجع مربوطه بخصوص استانداری آذربایجان شرقی پیرامون این مسئله تا پایان سال ۱۳۴۵ ادامه داشته است.

۴. نتیجه

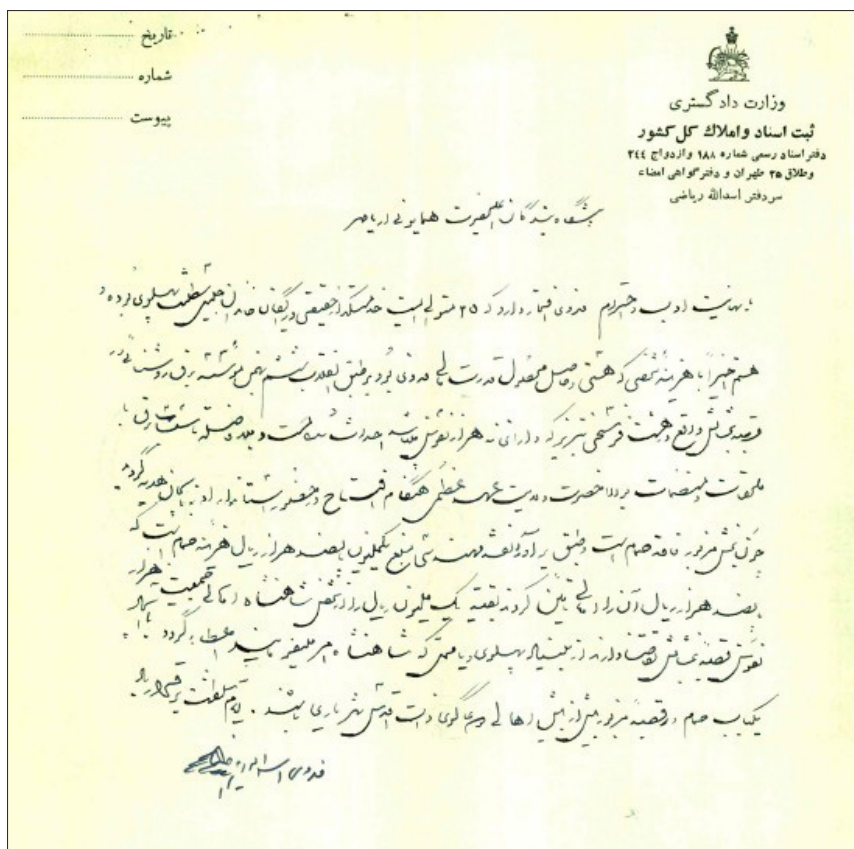


به روشنی نمی‌توان گفت شاه‌پرستی اسدالله ریاضی و یا تظاهر وی به این امر با چه اهداف و نیاتی بوده است؛ آیا فقط از روی اعتقاد، یا راهکاری برای نفوذ در حاکمیت و بهره‌برداری از موقعیت حاصله بوده است؟ خدمات به نقل خود وی، رایگان و بدون نظرش و اختصاص کارخانه یا به قولی موتور برق و همچنین وعدهٔ احداث مدرسه با هزینهٔ شخصی و احتمالاً موارد بیشتری از چنین فعالیت‌هایی حول کدام هدف سیر می‌کرد؟ شرکت ریاضی در مراسم‌های مختلف حزب ملیون با مسئولیت‌هایی چون برقراری نظم و انتظامات! در چه راستایی بود؟

باتوجه به کمبود منابع و اطلاعات کافی صرفاً می‌توان در پاسخی کلی احتمال داد وی در راستای بهره‌برداری‌های شخصی سعی در نفوذ به درون حاکمیت و سازمان‌های وابسته به آن داشته است؛ اما آنچه با اطمینان می‌توان گفت این است که یکی از اهداف وی از نزدیکی به حاکمیت، کمک به پیشرفت آذربایجان و زادگاهش، بخشایش (بستان‌آباد) بوده است. هرچند گزارشی از برنامهٔ سفر تبلیغی وی به مناطق جنوب و غرب کشور هم در دست است که معلوم نیست عملی شده یا خیر، ولی واقعیت این است تمرکز اصلی و عمدهٔ فعالیت‌های او بر شهرهای آذربایجان و همچنین زادگاهش بوده است که همچون سایر نقاط کشور از کمبود امکانات بهداشتی، آموزشی و حتی آب آشامیدنی و غیره با محدودیت‌هایی مواجه بوده است؛ به عبارت دیگر، ریاضی که مقیم تهران بوده، تعلق خاطر به زادگاهش را از دست نداده و تلاش کرده با تکیه بر نفوذی که میان حاکمیت داشت، به نفع مردم آن سامان امتیازاتی بگیرد؛ درهرحال اسناد موجود از سال ۱۳۴۵ به بعد اطلاعی از وی به دست نمی‌دهند و معلوم نیست آیا وی همچنان به فعالیت‌هایش ادامه داده است یا خیر؟ اسدالله ریاضی که یک روحانی بود، با اطلاع و آگاهی مقامات حکومت پهلوی از شخص شاه تا فرمانداران شهرهای مختلف آذربایجان و دیگر نقاط، اقدام به مسافرت‌های تبلیغی می‌کرده است؛ به‌طوری‌که گاه حتی دو بار در سال برای چنین فعالیت‌هایی عازم می‌شد. از آنچه در مقالهٔ حاضر بحث شد، می‌توان به این واقعیت اذعان کرد که محمدرضا شاه که متوجه دشواری مقابله با افشار مذهبی مخالف خود بود، اهمیت زیادی برای روحانیون نزدیک به دربار قائل بود و به آنان در هر درجه و سطحی اهمیت می‌داد. هماهنگی‌های وزیر دربار با استانداران و مقامات کشوری و لشکری جهت فراهم کردن تسهیلات لازم برای سخنرانی یک روحانی گمنام و درجه‌چندم در منابر و مساجد، نشان از این واقعیت دارد که شاه و دستگاه حکومتی‌اش به‌خوبی از مذهبی بودن مردم و اثرپذیری آنها از روحانیون آگاه بودند و بنابراین امیدوار بودند ازطریق کسانی چون اسدالله ریاضی جبهه‌ای محکم در برابر روحانیون مخالف حکومت ایجاد کنند؛ موضوعی که می‌تواند نشانه‌ای از استیصال شخص نخست مملکت، تزلزل موقعیت و فقدان مشروعیت سیاسی وی باشد.

حاضری، علی محمد؛ منصوری، علی نظر. (۱۳۶۸). بررسی و تحلیل واکنش جریان‌های مذهبی به اقدامات دوره رضاشاه بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰، *فروشنامه متین*، شماره ۳۷، ۴۱-۶۶.
خلیلی، علی. (۱۳۹۶). جریان‌های سیاسی روحانیت در دوره پهلوی دوم، *دوفصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، دوره جدید، ۳ (۱)، بهار و تابستان، ۸۳-۱۱.
روزنامه کیهان، یکشنبه ۲۴ مهر ۱۳۴۵، شماره ۶۹۶.
سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۹۱/۱۱۱/۲۹۳

پیوست



پیوست شماره ۱. نامه اسدالله ریاضی به شاه و درخواست تقبل بخشی از هزینه‌های احداث حمام در قصبه بخشایش (بستان‌آباد) (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳)



تاریخ ۲۱/۸/۱۳۷۳
شماره ۱۳۷۳۲
پیوست -

وزارت کشور
استاندار استان اول

جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی

باسخ مرقومه خصوصی مورخ ۲۳۱/۸/۱۴ انجناب وسیله جناب
انای اقا شیخ اسداله ریاض که برای تبلیغات مذهبی برشت آمدند
واصل و بطوریکه اشاره نمود به سفارتش در دعوت ایشان در مجالس روضه
خوانی بندر مقدور گردید.

باتجربیت احترام استاندار استان اول

د. شریانی

پیوست شماره ۲. توصیه وزیر دربار به استاندار استان اول درخصوص فراهم آوردن زمینه‌های تبلیغات مذهبی اسدالله ریاضی در مجالس روضه خوانی (ساکما، ۱۱۰۹۱/۲۹۳ شماره ۱۳۷۳۲)



جناب آقای اسداله ریاضی که از دعاگویان خاص ذات مقدس شاهنشاه
آرامهر است لذا حسب الامر اعلیحضرت همایونی مقرر شد در این موقع
بقسمت های مختلف آذربایجان شرقی و غربی مسافر نمایند لازم است -
آقایان استانداران و فرماندهان و سایر مقامات کشوری و لشگری در صورت مراجعه
تسهیلات لازمه را برای مشارالیه فراهم نمایند تا ایشان بتوانند منظور خود را
که هدایت انگار عمومی براه حق و حقیقت است بنحو احسن انجام دهند و تادستور
ذاتی این ورقه لازم به تجدید نیست .

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی
برم

پیوست شماره ۳. نامه دفتر مخصوص شاهنشاهی به استانداران آذربایجان غربی و شرقی درخصوص فراهم آوردن تسهیلات لازمه برای
اسدالله ریاضی (ساکما، ۹۱/۱۱۱/۲۹۳ شماره ۸۰۰۱)